

سیری در "گلستان" خمسه امیر خسرو

پرفسور دکتر محمد ناصر

عضو هیأت علمی گروه فارسی

دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

چکیده:

امیر خسرو نخستین کسی است که به استقبال خمسه زوال ناپذیر نظامی گنجوی کمر همت بست و سایر منتقدان ادبی نظامی گنجوی را تا آن زمان برترین سخنسرای فارسی قبول دارند، و علاوه بر آن نه تنها در شبه قاره بلکه حتی در ایران هم هیچکس در پیروی از خمسه نظامی مثنویها نسروده بود و امیر خسرو هم خوب می دانست که استقبال از خمسه نظامی کاری سهل نیست، پس او عمداً خوب متوجه شده، مطالعه کرده، هنر خویش را سنجیده و استعداد خود را درک کرده، به چنین کار بزرگی پرداخت. مثنویهای امیر خسرو نشاندهنده آن است که وی عاشق طبیعت بوده، همواره با استفاده از عناصر طبیعت تصویرهای زیبایی می ساخته، و سیری در خمسه امیر خسرو گویا گردش در گلستان است. در مقاله حاضر تصاویر زیبایی از باغ و بوستان، گل و گلستان، لاله و سنبل، شاخه و درخت و... در خمسه وی مورد بررسی قرار گرفته که شاعر ما با استفاده از عناصر شعری همچون تشبیه، استعاره، استعاره مکئیه و تشخیص درست کرده است.

واژه های کلیدی: شعر فارسی شبه قاره، امیر خسرو، خمسه، صورخیال، بررسی،

تصاویر طبیعت

ابوالحسن یمین الدین فرزند سیف الدین محمود معروف به امیر خسرو دهلوی (۱۲۵۳-۱۳۲۵م) از برجسته ترین شاعران فارسی گوی شبه قاره بود، و اغلب منتقدان ادبی او را در ردیف بزرگترین و پرکارترین شاعران تاریخ ادب فارسی دانسته اند که آثار سایر سخنوران زمان خود را تحت الشعاع قرار داده، و در ادوار بعدی هم نفوذی دامنه دار در میان شاعران هند و ایران داشته است. او در سایر قالبهای شعری از جمله قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه و مفردات ذوق و قریحه عالی خود را نشان داده، و بحق اشعاری نغزی سروده است. قریحه است که آثار وی توجه منتقدان و سخن سنجان را به خود جلب کرده و مورد قدردانی قرار گرفته است. خمسه ای که وی در پیروی از نظامی گنجوی (۱۱۴۱-۱۲۰۹م) سرود، نخستین کوششی بود که توسط يك شاعر ایرانی یا غیر ایرانی صورت گرفت. (۱) روشن است که نظامی گنجوی در سرودن خمسه خود سالها فرصت جست، (۲) و سپس توانست آن شاهکار را به وجود آورد، اما امیر خسرو تنها شاهسوار عرصه مثنوی گویی نیست، بلکه شهرت وی بیشتر به عنوان غزلسرا و قصیده گو بوده است. باز هم همگی بر آن اند که خمسه اش از خمسه های تمام مقلدین نظامی گنجوی نسبتاً بهتر و برتر است. او يك سلحشور و جنگجوی نیز بوده و حتی در جنگها عملاً شرکت می جست، و می دانیم که در مولتان علیه منگولها جنگیده، و به دست آنها اسیر شده است که هنر سپاه گری او دلالت می کند.

امیر خسرو يك شاعر درباری، مرید باصفای حضرت خواجه نظام الدین اولیاء (۱۲۳۸-۱۳۲۵م) بود و برای پیر و مراد خود احترام فراوان قایل بود. با وجود اینکه دایم در خدمت پادشاهان و فرمانروایان می بود، هیچگاه از میزان ارادت و احترام او نسبت به خواجه کاسته نشد. خواجه نیز مرید خود را بسیار گرامی می داشت. باید این همه واقعیتهای را در نظر داشته شعر وی را در کوره نقد گذاشت.

امیر خسرو به سبب آشنایی با زبانهای فارسی، عربی، ترکی و هندی اشعار فراوانی در زمینه های مختلف سرود. او موسیقی هندی و ایرانی را خوب می شناخت، شعرش لحن و لطافتی خاص دارد، و چون ترك نژاد و هندی زاد بود، کلمات ترکی و هندی نیز در شعر او دیده

می شود. تشبیه از جمله عناصر صور خیال می باشد که امیر خسرو با استفاده از آن تصاویر زیبایی خلق کرده است. امیر خسرو در غزلسرای پیرو سعدی (۱۲۱۰-۱۲۹۱ م) بود، و غالباً مضامین عشقی و مسایل عرفانی را به زبان ساده و پُرسوز در بحرهای کوتاه و لطیف بیان کرده، و از الفاظ و معانی شاعران متصوفه ایرانی سود جسته است. او با سنایی غزنوی (۱۰۸۰-۱۱۳۱ م) نیز الفتی خاص داشته و در "قصاید که از غزلهایش متین تر است" (محمد معین، ۱۳)، از سخنوران بزرگ مانند خاقانی شروانی (۱۱۲۰-۱۱۹۰ م)، انوری (۱۱۲۶-۱۱۸۹ م) و کمال الدین اسماعیل اصفهانی (۱۱۷۲-۱۲۳۷ م) نیز پیروی کرده است.

به عقیده عبد الرحمن جامی (۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) "امیر خسرو دهلوی در شعر متفنن است، و قصیده و غزل و مثنوی را ورزیده و همه را به کمال رسانیده، تتبع خاقانی می کند، هر چند به قصیده او نرسیده، اما غزل را از وی در گذرانیده، غزلهای او به واسطه معانی آشنا که ارباب عشق و محبت بر حسب ذوق و وجدان خود در می یابند، مقبول همه کس افتاده است. خمسه نظامی را کسی به از وی جواب نداده است. و ورای آن مثنویهای دیگر دارد." (جامی، ۱۰۶) در واقع "همیشه آرزوی جامی آن بوده است که به پایه او برسد." (نفیسی، ۵۷۴)

امیر خسرو را می توان عاشق طبیعت نامید که دایم خودش را در کنار طبیعت احساس می کند، بلکه با آن زندگی می کند. تشبیهاتی که در شعر خسرو بسامد دارد، متعلق به طبیعت و عناصر آن است. در شعر او بلبل به صدا در می آید و به گل طبیعت نزدیک می شود، در شعر او "گلی طبع" (۳) و "گلی فتح" (۴) یافته می شود، "شگوفه جوانی" (۵) را نیز در شعر او می بینیم. تصویر زیبایی از "چراغ لاله" و "شب چراغ لاله" را ملاحظه فرمایید که ما را به یاد شعر معروف اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م) می اندازد: (۶)

صبح دمان لاله رخی چون چراغ	رفت خرامان به تماشای باغ
لاله: مشبه؛ چراغ: مشبه به	مطلع الانوار، ۱۲۲
آراسته مکتبی چو باغی	هر لاله درو چو شیچراغی
لاله: مشبه؛ چراغ: مشبه به	مجنون و لیلی، ۱۶۵

شعر امیر خسرو گویا باغ و بوستان است. در "باغ جهان" "بوی وفا" به مشام او نمی رسد، محبوب چشم و چراغ و خوبترین میوه "باغ دل" او است. "باغ دهر" بوی سلامتی نمی دهد، البته در "باغ سعادت" گاهی "غنچه وصل" می شکوید. او با استفاده از همچون تراکیبی شعرش را رنگین و معطر می سازد:

سبزه او مهر گیایی نداد	باغ جهان بوی وفایی نداد
مطلع الانوار، ۱۲۹	باغ جهان: تشبیه بلیغ
خوبترین میوه ز باغ دلم	ای تن تو چشم و چراغ دلم
همان، ۱۳۳	باغ دل: تشبیه بلیغ
زانک سرشت ست بناتش به زهر	بوی سلامت ندهد باغ دهر
همان، ۱۲۸	باغ دهر: تشبیه بلیغ
وی میوه جان و باغ دیده	کای شمع دل و چراغ دیده
مجنون و لیلی، ۱۷۲	باغ دیده: تشبیه بلیغ
که بوی آشنایی می دهد باد (۷)	مگر باغ سعادت غنچه بگشاد
شیرین و خسرو، ۳۶۲	باغ سعادت: تشبیه بلیغ
بحز نظاره ای کز دور دیدی	گلی از باغ وصلم برنجیدی
همان، ۲۹۵	باغ وصل: تشبیه بلیغ

از در باغ که وارد شویم، گلزار خسرو چشمان ما را خیره می سازد، گلزار امید خسرو همیشه تازه است، گلزار رخ محبوب او را شاد می سازد. اگرچه چشم بد همچون خار نیز همراه است:

مگر ابر و فاب شد به خورشید	که از سر تازه شد گلزار امید
گلزار امید: تشبیه بلیغ	شیرین و خسرو، ۳۶۱
مبادا چشم بد را با رخت کار	ز گلزار رخت در چشم بد خار
گلزار رخ: تشبیه بلیغ	همان، ۳۵۴

حسان را پاک رفت از هر دیاری به گلزار زمین نگذاشت خاری

گلزار زمین: تشبیه بلیغ همان، ۲۶۶

”گلدسته عمر“ (۸) ترکیب تازه ای است، که خنده اش دل هر کس را می رباید. در ”گلشن حسن“ (۹)، امیر خسرو سرو چالاک را می بیند، گویا در کنار تشبیه بلیغ، استعاره و تشخیص نیز شعرش را زیبایی بخشیده است. در نیایی که ما زندگی می کنیم هیچ گل بدون خار نمی ماند. مثل مشهوری است ”هر جا که گل است خار نیز هست“، پس در شعر امیر خسرو ”خارستم“ (۱۰)، ”خارستان“ (۱۱)، ”خارغم“ (۱۲) و ”خارغیرت“ (۱۳) در دل ما می خلد، و خلش آن شعر را به جای شیرینی ملاحظت می بخشد. از باغ و بوستان و گل و گلزار و خار که بگذریم، نزدیک به درخت و شاخ و برگ میوه ها می شویم. در شعر خسرو درخت سعادت به بازار عالم، شاخ و برگ می آورد:

درخت سعادت بر آورد شاخ طرب شد به بازار عالم فراخ

درخت سعادت: تشبیه بلیغ آینه سکندری، ۵۴۲

میوه جان را که هر کس دوست دارد، چون شیرین است و شعر امیر خسرو نیز دارای آن می باشد. پیش وی ”میوه دل“، ”میوه جان“ است.

کای شمع دل و چراغ دیده وی میوه جان و باغ دیده

میوه جان: تشبیه بلیغ مجنون و لیلی، ۱۷۲

دوری ازین میوه گرانی بود میوه دل میوه جانانی بود

میوه جان، میوه دل: تشبیهات بلیغ مطلع الانوار، ۸۷

چنانکه گفته آمد امیر خسرو عاشق طبیعت و شیفته باغ و بوستان است، بنا بر این در شعر او شاخه های درختان جای خوش کرده است. او از ”شاخ بخت“ (۱۴) خرما به دست می آورد و گاهی ”شاخ جوانی“ اش شکوفه می کند (۱۵)، اما حیف که ”شاخ جوانی“ از دم باد خزان می شکند (۱۶)، البته ”شاخ شرع“ میوه حلال را به بار می آورد. (۱۷) باز هم می بینیم که او نزدیک ”شاخ قرب“ آشیانه می سازد، (۱۸) و ”شاخ مراد“ بار آور می شود، (۱۹) و باز چه

قشنگ می گوید که "شاخه هنر را بار نیست":

من که به شاخ هنرم نیست بار به نبود لافم از آبی و نثار

شاخ هنر: تشبیه بلیغ مطلع الانوار، ۱۴۰

در گلستان خمسه امیر خسرو از "برگ" نیز مورد استفاده شایانی قرار گرفته است. "برگ دلتنگی" (۲۰) خواننده را دلتنگ می سازد، "برگ سرانجام" (۲۱) اندیشه خام را خجل می گرداند، "برگ عشرت" (۲۲) به یاد لهو و لعب می اندازد، "برگ قناعت" (۲۳) یاد آور پرهیزگاری و تقوی است، و "برگ معیشت" (۲۴) گویا ما را یکبارگی از قرن چهاردهم به قرن بیست و یکم میلادی می کشاند. "برگ نشاط" بربط خوشدلی و "برگ نعمت" عطای رب جلیل است:

باز برگ نشاط ساخته شد بربط خوشدلی نواخته شد

برگ نشاط: تشبیه بلیغ هشت بهشت، ۶۲۷

مرا چشم تنگ و هوس شاخ شاخ عطای تو را برگ نعمت فراخ

برگ نعمت: تشبیه بلیغ آینه سکندری، ۴۰۸

در شعر امیر خسرو کشتزارهایی می بینیم که ما را به طبیعت نزدیکتر می برد و نیز یادآور فرهنگ و تمدن اصیل هندی است. چه زیباست وقتی "کشت هنر" سیراب می گردد:

حلال آن کسی را دهد بر که وی به کشت هنر آب ریزد ز خوی

کشت هنر: تشبیه بلیغ همان، ۴۲۷

در شعرو کلماتی همچون بیخ و تخم نیز اهمیت شایانی دارند و شاعر ما تراکیب تازه ای می سازد. در می یابیم که "بیخ بزرگی" (۲۵) تنها با رعایت ادب استحکام می یابد، شاعر توصیه می کند که "تخم تکبر" (۲۶) را در سینه نفشانیم. "تخم عمل" (۲۷) ابر کرم را به جوش می آورد. شاعر بر آن است که "تخم عمل" را بیفزاییم و در کشت خود بکاریم تا خرمن شیرین به دست آوریم:

درین روضه تخم عمل بیش کن کشاورزی دانه خویش کن

تخم عمل: تشبیه بلیغ آینه سکندری، ۴۷۸

ملك با وجودیکه مزاج آشنای محبوب است، باز هم نمی تواند از ”خرمن ماه“ خوشه ای بچیند، می بینیم که شاعر با زیبایی و لطافت تمام از بیان این مضيقه بدرآمده است:

ملك بود از مزاج دلبر آگاه که نتوان خوشه چید از خرمن ماه

خرمن ماه: تشبیه بلیغ شیرین و خسرو، ۲۸۶

چو از سوزش دل دمی خوش زده به صد خرمن هستی آتش زده

خرمن هستی: تشبیه بلیغ آینه سکندری، ۴۱۲

استعاره را تشبیه فشرده می نامند یعنی می توان گفت که تشبیه وقتی به زیبایی تمام می رسد، به استعاره مبدل می شود. پس سخنوران هنگامیکه به تصویرسازی و تمثال آفرینی می پردازند، از همه بیشتر به جستجوی استعاره های هنری توجه می کنند، شاعر هنر خود را در خیالبافی و تصویر آفرینی جلوه می دهد و نخست از تشبیه و ثانیاً از استعاره کمک می گیرد.

شایسته است ذکر شود که در آغاز شعر فارسی یعنی در سده سوم و چهارم هجری پیروان سبک خراسانی نسبت به استعاره از تشبیه بیشتر استفاده می کردند، اما شاعران سبک عراقی به استعاره توجه بیشتری نشان دادند که در میان آنها نظامی گنجوی را می توان گل سرسید نامید، و پس از وی حافظ شیرازی (۱۳۲۶ - ۱۳۹۰ م) آن هنر را به اوج کمال رساند.

در شعر امیرخسرو اغلب تصویرهای زمینی دارای عناصر طبیعت می باشد. استعاره ممکنه که بیشتر مورد توجه شاعران سبک هندی است، مورد استفاده امیرخسرو نیز قرار گرفته است. در شعر او ”بنفشه“ آزاد است (۲۸)، ”سوسن“ حرف می زند (۲۹)، ”شمشاد“ می خندد (۳۰)، ”لاله“ و ”نرگس“ در شعر او جای خوش می کنند، ”لاله“ گاهی خود معشوق است و گاهی رخسار و عارض محبوب:

گفتا که مریز سیل اندوه کان لاله خوشست بر سر کوه

لاله: استعاره برای محبوب یعنی مجنون مجنون و لیلی، ۱۸۵

لاله را در قبا کشیدی تنگ سرو را خانه ساختی ز خدنگ

لاله: استعاره برای محبوب هشت بهشت، ۵۹۹

از دیرباز "نرگس" به عنوان استعاره برای چشم به کار برده می شده است. این استعاره پیش پا افتاده در شعر امیر خسرو نیز بدون هیچ تازگی دیده می شود، ملاحظه فرمایید:

همای جلوه در نه باغ کرده	به نرگس سرمه ما زاغ کرده (۳۱)
نرگس: استعاره برای چشم محبوب	شیرین و خسرو، ص ۲۴۸
بدان برقع که پوشد ماه در میغ	بدان نرگس که بر جانم زند تیغ (۳۲)
نرگس: استعاره برای چشم محبوب	همان، ص ۳۶۳

شاعران فارسی از زمان قدیم "سرو" را به عنوان استعاره برای معشوق به کار می برده اند، و شعر امیر خسرو نیز خالی از آن نیست، گرچه بعضی مصرعها زیباست اما استعاره "سرو" (۳۳) که کلیشه ای شده و هیچ جاذبیت ندارد، و استعاره "پسته" (۳۴) برای دهان نیز عادی است، و همچنین استعاره "بستان" (۳۵) برای شعر نیز تازگی ندارد.

استعاره مکنیه میدان اصلی هنرنمایی شاعر ماست. شاعران سبک هندی کار برد استعاره مکنیه را به اوج رسانیده اند، اما در میان شاعران شبه قاره امیر خسرو نخستین کسی است که استعاره مکنیه را با چنین مهارت و زیبایی به کار برده است او در "گوش بنفشه" (۳۶) گوهر می ریزد، در "جگر گل" (۳۷) آتش می زند، زردی "رخسار سمن" (۳۸) یاد آور دوران هجر و فراق است، "شگوفه" و "غنچه" و "گل" همه گویا جان دارند و به صدا در می آیند:

ناف شگوفه ندهد بوی مشک	پر شکنند فاخته از شاخ خشک
ناف شگوفه: استعاره مکنیه	مطلع الانوار، ۱۱۹
به پژمردن آمد گل تازه روی	دماغ شگوفه تهی شد ز بوی
دماغ شگوفه: استعاره مکنیه	آینه سکندری، ۵۷۰
بنفشه سر زلف را خم زده	گره در دل غنچه محکم زده
دل غنچه: استعاره مکنیه	همان، ۴۸۰
ماتم ما دیده گل خنده ناک	جامه خود کرده به صد جای چاک
دیده گل: استعاره مکنیه	مطلع الانوار، ۳۸

”دل لاله“ در شعروی داغ دارد و ”رخساره لاله“ پُر چین است. ”چشم نرگس“ نظاره می کند. ”دیده نرگس“ از خواب تهی است. ”رخ و رخساره یاسمین“ یاد آور محبوب و ”دیده بادام“ بی نور است:

چون سرو من آید اندرین باغ	تا در دل لاله نو کند داغ (۳۹)
دل لاله: استعاره مکنیه	مجنون و لیلی، ۲۰۳
رخساره لاله پُر ز چین گشت	آینه آب آهنین گشت (۴۰)
رخساره لاله: استعاره مکنیه	همان، ۲۲۵
گشت تهی دیده نرگس ز خواب	بلکه فرود آمدش از دیده آب
دیده نرگس: استعاره مکنیه	مطلع الانوار، ۳۸
گه بر رخ یاسمین خمیدند	گه در ته شاخ گل چمیدند
رخ یاسمین: استعاره مکنیه	مجنون و لیلی، ۲۲۳
رخساره یاسمین زمین سای	پیمانۀ لاله باد پیمای
رخساره یاسمین: استعاره مکنیه	همان، ۱۲۶
دیده بادام چوبی پرده گشت	مغز وی از هر دهنی خورده گشت
دیده بادام: استعاره مکنیه	مطلع الانوار، ۱۳۶

شاعر ما گلها را به عنوان نماد زیبای طبیعت پذیرفته انسان می انگارد. مثلاً: ”بنفشه“ سر زلف را خم زده، در ”دل غنچه“ گره محکم می زند. ”گیسوی بنفشه“ مانند زلف خمیده عروسان خاکبوسی می کند. ”زعفران“ خنده می زند. ”سرو“ بر ”فرق سمن“ سایه می افکند. ”سوسن“ زبان می گشاید:

بنفشه سر زلف را خم زده	گره در دل غنچه محکم زده (۴۱)
بنفشه: تشخیص	آینه سکندری، ۴۸۰
گیسوی بنفشه خاکبوسان	چون زلف خمیده عروسان
بنفشه: تشخیص	مجنون و لیلی، ۲۲۶

- ازرق که بنفشه را به دوش است از ماتم من کبود پوش است
بنفشه: تشخیص همان، ۲۰۳
- سوسن که چنان زبان دراز است از من به تو در بیان راز است (۴۲)
سوسن: تشخیص همان، ۲۰۴
- "شمشاد" صد زبان می گشاید و قصه خود را بیان می کند. "غنچه" به سبب دلتنگی،
سر به گریبان خویش فرو می برده و "غنچه" می خندد:
- چو شانہ صد زبان بگشاد شمشاد که آمد ساقی دولت به من شاد
شمشاد: تشخیص شیرین و خسرو، ۲۸۹
- فرود آمد ز پشت باد چون باد چو سبزه بوسه زد بر پای شمشاد
شمشاد: تشخیص همان، ۲۷۱
- غنچه ز دلتنگی پنهان خویش کرد فرو سر به گریبان خویش (۴۳)
غنچه: تشخیص مطلع الانوار، ۳۸
- از قدیم سخنوران "گل" را به عنوان استعاره برای صورت محبوب به کار برده اند.
امیرخسرو يك گام جلوتر بر می دارد، و خود "گل" را انسان می انگارد. او عاشق "خنده گل"
است. "گل" از شدت غم پرهن را چاك می کند:
- هر گل که شگفته دید برخاك کرد از غم دوست پرهن چاك (۴۴)
گل: تشخیص مجنون و لیلی، ۲۰۰
- "لاله" جام شراب را به کف می گیرد، لاله رنگین به گفتار در می آید:
- لاله بر کف گرفته جام شراب نرگس از مستی و فتاده خراب (۴۵)
لاله: تشخیص هشت بهشت، ۶۵۴
- "نرگس" در شعر امیرخسرو مستی می کند، و از کرشمه شورانگیز عشاق را به غمزه
می کشد. خمار نرگس فتنه جو و "دیده نرگس" جاسوس است:

لاله برکف گرفته جام شراب نرگس از مستی و فتاده خراب (۴۶)

نرگس: تشخیص همان، ۶۵۴

نرگسش از کرشمه شور انگیز کشته عشاق را به غمزه تیز

نرگس: تشخیص همان، ۶۳۱

خمار نرگسش در فتنه جویی میان خواب و بیداری ست گویی

نرگس: تشخیص شیرین و خسرو، ۳۷۷

لاله که شد باد دهن بوس او دیده نرگس شده جاسوس او

نرگس: تشخیص مطلع الانوار، ۳۷

در جاده عشق "خار"ها در پیش است:

ابر نیارد گهری از سپهر خار نخارد سر نسرين به مهر (۴۷)

خار: تشخیص مطلع الانوار، ۱۱۹

"باغ" و "بستان" می خندند. "سبزه" تسبیح می کند. "سبزه" بر پای "شمشاد" بوسه

می زند. خسرو با "سبزه" راز دوست را در میان می گذارد:

ابر بگرید به رخ بوستان باغ بخندد چو لب بوستان

باغ: تشخیص همان، ۱۱۹

چو باران قطره ای نفشانند از غیب اگر بستان نخندد چون کنم عیب

بستان: تشخیص شیرین و خسرو، ۲۹۷

سبزه به تسبیح زبان کرده باز گوش نهانم به دهان کرده باز

سبزه: تشخیص مطلع الانوار، ۳۹

"سرو" درخت دلخواه خسرو است. او به "سرو" غم خود را می گوید، "سرو" مست

می گذرد. "مستی سرو" توبه شکن و خود "سرو" خوش حرام است:

با سبزه زدوست راز گفתי با سرو غم دراز گفתי

سرو: تشخیص محنون و لیلی، ۲۲۳

سرو خرامنده چو بگذشت مست	مستی او توبه صوفی شکست (۴۶)
سرو: تشخیص	مطلع الانوار، ۱۲۲
"چنار" دست بر دست می مالد:	
ریزان گل و لاله شست در شست	مالنده چنار دست بر دست (۴۷)
چنار: تشخیص	مجنون و لیلی، ۲۲۵

یادداشتها:

- ۱- خمسه نظامی مشتمل بر مثنویهای "مخزن الاسرار"، "خسرو و شیرین"، "لیلی و مجنون"، "اسکندرنامه" و "هفت پیکر" است. امیر خسرو در استقبال آن پنج مثنوی: "مطلع الانوار"، "شیرین و خسرو"، "مجنون و لیلی"، "آئینه سکندری" و "هشت بهشت" سروده است.
- ۲- سال تکمیلی "مخزن الاسرار" را ۱۱۶۳ م و سال تکمیلی "هشت بهشت" را ۱۱۹۷ م ذکر کرده اند.
- ۳-
- ۴- بلبل نطق از گل طبعم پرید / پرده غیب از سر کلکم درید
گل طبع: تشبیه بلیغ / مطلع الانوار، ۲۹
- ۵- فرس را به هر سو که پیچد عنان / گل فتح چیند ز خار سنان
گل فتح: تشبیه بلیغ / آئینه سکندری، ۴۳۸
- ۶- نو شد چو شکوفه جوانی / از جفت گریز نیست دانی
شکوفه جوانی: تشبیه بلیغ / مجنون و لیلی، ۱۶۳
- ۷- علامه اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م) از فکر بکر خسرو سود جسته و همین تشبیه را در غزل معروف خود به کار برده است:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
چراغ لاله: تشبیه بلیغ
ای جوانان عجم جان من و جان شما
اقبال،

۷- یاد آور بیت کلیم کاشانی (۱۵۸۱-۱۶۵۱م):

فراوان رزم چون شمشیر دیده
گل پیروزی: تشبیه بلیغ
گل پیروزی از هر جنگ چیده
کلیم: ص: ۳۹۲، ب: ۲۰

۸-

سرافرازی مرد چندان بود
گلدسته عمر: تشبیه بلیغ
که گلدسته عمر خندان بود
آینه سکندری، ۵۵۶

۹-

گوشم ازان ابر پُر آوازه کن
گلشن امید: تشبیه بلیغ
گلشن امید مرا تازه کن
مطلع الانوار، ۱۶
در گلشن حسن سرو چالاک
گلشن حسن: تشبیه بلیغ
چون قطره آب آسمان پاک
مجنون و لیلی، ۱۸۸

۱۰-

چنان کند خار ستم را ز راه
خار ستم: تشبیه بلیغ
که همواره شد فتنه را خوابگاه
آینه سکندری، ۴۱۴

۱۱-

فرس را به هر سو که پیچد عنان
خار سنان: تشبیه بلیغ
گل فتح چیند ز خار سنان
همان، ۴۳۸

۱۲-

دلش را خار غم در دامن آویخت
خار غم: تشبیه بلیغ
خرد دامن به دندان کرد و بگریخت
شیرین و خسرو، ۳۳۷

- ۱۳-
آزمون کرد گاه و بیگاهش
خار غیرت ندید در راهش
خار غیرت: تشبیه بلیغ
هشت بهشت، ۶۹۰
- ۱۴-
ز شاخ بخت خرمایی گسستم
به خوردن باغبان بستد ز دستم
شاخ بخت: تشبیه بلیغ
شیرین و خسرو، ۳۳۵
- ۱۵-
شگوفه می کند شاخ جوانی
حضر می ریزد آب زندگانی
شاخ جوانی: تشبیه بلیغ
همان، ۳۶۱
- ۱۶-
هزار افسوس از آن شاخ جوانی
که بشکست از دم باد خزانی
شاخ جوانی: تشبیه بلیغ
همان، ۳۲۸
- ۱۷-
میوه حلالیت ندهد شاخ شرع
تا نکشی آستین از اصل و فرع
شاخ شرع: تشبیه بلیغ
مطلع الانوار، ۶۴
- ۱۸-
چنان کرد بر شاخ قرب آشیان
که خود هم ننجید اندر میان
شاخ قرب: تشبیه بلیغ
آینه سکندری، ۴۱۱
- ۱۹-
زاران اشکی که چشمت گشاد
بری داد زینگونه شاخ مراد
شاخ مراد: تشبیه بلیغ
همان، ۴۶۹

- ۲۰- جهان را برگ دلتنگی فراخ است
برگ دلتنگی: تشبیه بلیغ
طرب نایاب و محنت شاخ شاخ است
شیرین و خسرو، ۳۶۹
- ۲۱- خجل گشت ز اندیشه خام خویش
برگ سرانجام: تشبیه بلیغ
ز سر ساخت برگ سرانجام خویش
آینه سکندری، ۴۲۳
- ۲۲- زمانه برگ عشرت ساز کرده
برگ عشرت: تشبیه بلیغ
فلک درهای دولت باز کرده
شیرین و خسرو، ۲۸۶
- ۲۳- خیز دلا برگ قناعت بساز
برگ قناعت: تشبیه بلیغ
تا چو تو خسرو ندواند نیاز
مطلع الانوار، ۷۵
- ۲۴- برگ معیشت که به کیهان درست
برگ معیشت: تشبیه بلیغ
هر چه که بایسته تر از انتر است
همان، ۷۲
- ۲۵- بیخ بزرگی به ادب محکم است
بیخ بزرگی: تشبیه بلیغ
عیش حرام است چو حرمت کم است
همان، ۱۱۷
- ۲۶- تخم تکبر مفشان سینه را
تخم تکبر: تشبیه بلیغ
پشت مده صحبت دیرینه را
همان، ۸۲

۵۸ محمد ناصر/سیری در "گلستان" خمسه امیر خسرو

-۲۷

تخم عمل ده که به کارش برم و ابر کرم بخش کزان بر خورم
تخم عمل: تشبیه بلیغ همان، ۱۶

-۲۸

به بوسیدن مسند خسروان بنفشه شد آزاد سرو جوان
بنفشه: استعاره برای محبوب آینه سکندری، ۴۵۳

-۲۹

سحرگاهان چو گل در باغ بشگفت سمن بیدار گشت و یاسمین خفت
سمن: استعاره برای محبوب شیرین و خسرو، ۳۷۹

-۳۰

جوابش داد شمشاد و قصب پوش که دولت بادشه را حلقه در گوش
شمشاد: استعاره برای محبوب یعنی شیرین شیرین و خسرو، ۳۴۵

-۳۱ تصویر "نرگس" از فیضی دکنی (۱۵۴۷-۱۵۹۵م) ملاحظه شود:

من کشته نرگست که پیوست مستانه کند به گلستان خواب
فیضی، ۲۲۳

-۳۲ برای تصویر "نرگس" به بیت طالب آملی (۱۵۸۰-۱۶۲۷م) نگاه کنید:

خمار نرگس ناز آفرینت نهان از خلق در مشق جدایی ست
طالب آملی، ۳۱۸، غ: ۲۴۰، ب: ۴

-۳۳

چون سرو من آید اندرین باغ تا در دل لاله نو کند داغ
سرو: استعاره برای محبوب مجنون و لیلی، ۲۰۳

در گلشن حسن سرو چالاک چون قطره آب آسمان پاک
سرو: استعاره برای محبوب همان، ۱۸۸

-۳۴

گفت فرمانده سریر بلند که شکر لب ز پسته ریزد قند
پسته: استعاره برای دهان هشت بهشت، ۶۲۷

-۳۵

چهل سال اندرین بستان زدم گام نخوردم میوه ای کم خوش کند کام
بستان: استعاره برای شعر شیرین و خسرو، ۲۵۴

-۳۶

ابر از صدف سپهر یکسر در گوش بنفشه ریخت گوهر
گوش بنفشه: استعاره مکنیه مجنون و لیلی، ۱۹۹

-۳۷

مرغ که آه از دل غمکش زده در جگر سرخ گل آتش زده
جگر سرخ گل: استعاره مکنیه مطلع الانوار، ۳۸

-۳۸

رخسار سمن که زرد سان است از گونه زرد من نشان است
رخسار سمن: استعاره مکنیه مجنون و لیلی، ۲۰۳

۳۹- برای تصویر "دل لاله" بیتی از طالب آملی ملاحظه شود:

گشتیم مو به مو چو دل لاله غرق داغ در خرمن وجود فکندیم برق داغ

طالب آملی، ۶۴۵، غ: ۱۰۷۵، ب: ۲

۴۰- برای تصویر "رخسار لاله" بیتی از صائب تبریزی (۱۶۰۱-۱۶۷۷ م) ملاحظه شود:

اگر به لاله شوی هم پیاله در صحرا شود دو آتشفشان رخسار لاله در صحرا

صائب، ۱۰۶، ب: ۷

۴۱- تصویر "بنفشه" از بیدل و کلیم ملاحظه کنید:

غلام زلف تو سنبیل، اسیر روی تو گل بنفشه بنده خط سبز بوی تو را

بیدل، ۲۶، ب: ۱۶

۶۰ محمد ناصر/سیری در "گلستان" خمسه امیر خسرو

بنفشه در کمین دلربایی ست نه از پیری ست گر خود را کمان کرد

کلیم، ۴۶، ب: ۱۴

۴۲- تصویر "سوسن" یاد آور بیتی از غالب دهلوی (۱۷۹۷-۱۸۶۹ م) است:

سوسن کشیده خنجر و سنبل نهاده دام نشگفت کز میانه رود بر کنار باد

غالب، ۲۱۸، ب: ۲

۴۳- تصویرهای "غنچه" از بیدل ملاحظه شود:

غنچه می گوید که ای در بند کلفت ماندگان عقده دل را همین آشفتهگی وامی کند

بیدل، ۵۹۲، ب: ۲۷

۴۴- تصویر "گل" باز هم یاد آور بیتی از بیدل است:

غلام زلف تو سنبل اسیری روی تو گل بنفشه بنده خط سبز مشک بوی تو را

بیدل، ۲۶، ب: ۱۶

۴۵- برای تصاویر "لاله" نگاه کنید به ابیات زیر:

بیابان محبت سرکن ای دل کاندترین وادی دلیل خضر بینی لاله گم کرده دامان را

طالب آملی، ۲۱۹، غ: ۲، ب: ۲

ای لاله بر دلی که سیه کرده ای مناز داغ تو بر دماغ که بوی کباب زد

غالب، ۱۶۸/۳، ب: ۴

۴۶- تصویر "نرگس" از فیضی ملاحظه شود:

قانون جنون هوشمندان آموخته نیز نرگس مست

فیضی، ۱۶۹، ش: ۱۸

۴۷- برای تصویر "خار" نگاه کنید:

طریق امن سر کن وضع بیکاری غنیمت دان که خار از دور می بوسد کف پای حنایی را

بیدل، ۸، ب: ۱

۴۸- برای تصویر "سرو" به بیتی از نظیری نیشاپوری (۱۵۶۰-۱۶۱۲ م) نگاه کنید:

گل گریبان چاک و نرگس مست رفتند از چمن سرو را غیر از هوایی در سر مخمور نیست

نظیری، ۷۵

۴۹- تصویر "چنار" از بیدل ملاحظه شود:

سوختن می بالد آخر از کف افسوس من دامنی بر آتش خود می زند برگ چنار

بیدل، ۷۰۱، ب: ۴

کتابشناسی:

- امیر خسرو (۱۳۶۲ ش)، خمسه امیر خسرو دهلوی، به مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی، چاپ اول، انتشارات شقایق، تهران
- همو (۱۴۱۰ ق)، دیباچه دیوان تحفة الصغر، به کوشش سید علی حیدر، اداره تحقیقات ادبی و فارسی پتنه، ایالت بهار، هند
- همو (۱۹۷۵ م)، دیباچه دیوان غرّة الکمال، به کوشش سید وزیرالحسن عابدی، نیشنل کمیٹی برای سات سوسالہ تقریبات امیر خسرو، لاهور
- همو (۱۹۷۳ م)، کلیات غزلیات امیر خسرو، به کوشش اقبال صلاح الدین، با تجدید نظر سید وزیر الحسن عابدی، جلد چهارم، طبع اول، پیکجز لمیتید، لاهور
- همو (۱۹۷۷ م)، کلیات قصاید امیر خسرو، بکوشش اقبال صلاح الدین، ج ۱، پیکجز لمیتید، چاپ اول، لاهور
- برأت زنجانی (۱۳۷۷ ش)، صورخیال در خمسه نظامی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران
- بیدل دهلوی (۱۳۶۶ ش) کلیات دیوان مولانا بیدل دهلوی، به اهتمام حسین آهی، انتشارات فروغی، تهران
- جامی، عبد الرحمان (۱۳۶۷ ش) بهارستان، به کوشش اسماعل حاکمی، انتشارات اطلاعات، تهران
- صائب تبریزی (۱۳۴۵ ش) دیوان صائب، مقدمه و شرح حال به خط استاد امیری فیروز کوهی، انتشارات خیام، تهران
- طالب آملی (۱۳۴۶ ش) کلیات اشعار ملوک الشعرا طالب آملی، به اهتمام طاهری شهاب، انتشارات سنایی، تهران

- غالب دهلوی (۱۹۶۶م) کلیات غالب، فارسی، به اهتمام سید مرتضی حسین فاضل لکهنوی، مجلس ترقی ادب، لاهور
- فیضی دکنی (۱۳۶۲ش) دیوان فیضی، با تصحیح ای. دی. ارشد، با مقابله حسین آهی، انتشارات فروغی، تهران
- کلیم کاشانی (۱۳۶۴ش) دیوان ابوطالب کلیم کاشانی، به تصحیح پرتو بیضایی، انتشارات خیام، تهران
- معین، محمد (۱۳۷۲ش) فرهنگ فارسی، جلد پنجم، اعلام، انتشارات امیرکبیر، تهران
- نظیری نیشاپوری (۱۳۴۰ش) دیوان نظیری نیشاپوری، به تصحیح مطاهر مصفا، انتشارات امیرکبیر، تهران
- نفیسی، سعید (۱۳۰۸ش) مجله ارمان، شماره ۸-۹، تهران